



۲۰۱۸/۰۲/۱۴



مرجان کمال

حمله بر قندوز موقعیت نظامی و ستراتیژیکی

نویسنده: مرجان کمال - مترجم: فریده نوری کمال

بخش اول

در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۵، طالب‌ها برای اولین بار از زمان خلع شدن شان از قدرت در سال ۲۰۰۱ مؤقتاً به اشغال یک شهر بزرگ موفق شدند. این مضمون بعد از یک معرفی کوتاه حوادث، نشان دهنده به هم پیوند دادن جنگ به صورت زنجیرویی و به وسعت بزرگ انکشاف وضعیت امنیتی را در شمال شرق نشان می‌دهد.

در اواخر ماه اپریل ۲۰۱۵ برخورد میان طالب‌ها و قوت‌های امنیتی افغان (به خصوص پولیس ملی و اردوی ملی) با چندین دوره زد و خورد‌های شدید یک صفحه جدید جنگ در شهر قندوز نمایان گردید و از تاریخ ۳۰ اپریل طالب‌ها یک تهدید بزرگ برای شهر قندوز، مخصوصاً از نواحی گور تپه در شمال غرب شهر محسوب می‌شدند. تعداد افراد طالب‌ها ۲۰۰۰ نفر تخمین گردیده که به چهار ولسوالی ولایت قندور جا به جا شدند، مخصوصاً در جنوب شهر که در آنجا میدان هوایی شهر قندوز موقعیت دارد. در آخر ماه جون ۲۰۱۵ ولسوالی دشت ارچی به دست طالب‌ها افتاد، و ولسوالی چهار دره میدان جنگ بسیار شدید بین قوای امنیتی افغان و طالب‌ها بود



مرجان در غزنی

در شروع ماه اگست ۲۰۱۵ طالب‌ها قسمت اعظم ولسوالی‌ها را در قندوز به دست آوردند. (جهت معلومات، چهار دره - دشت ارچی - علی آباد - قلعه ذال - خان آباد و امام صاحب)

اشغال قندوز

به تاریخ ۲۸ سپتامبر طالب‌ها داخل شهر قندوز گردیده و به تاریخ ۲۹ سپتامبر میدان هوایی قندوز را تحت محاصره در آوردند، که در آن یک فرقه از قوت‌های امنیتی افغان و تعداد زیاد مردم ملکی پناه برده بودند، قوت‌های امریکائی

دو مرتبه مواضع طالب ها را بمباران نمودند، با وجود آن هم مانع طالب ها شده نتوانستند و طالب ها در نقاط مختلف شهر باعث ایجاد چک پاینت ها گردیدند.



مواضع مختلف دولتی، همراه با معقر اداره امنیت ملی، و همچنین مراکز تجاری، استیشن های رادیو، چندین نمایندگی فروش موتر، شاخه ساحوی کابل بانک و همچنان دفتر ساحوی نمایندگی همکاری ملل متحد برای افغانستان را اشغال و اموال شان را به تاراج بردند.

بندی ها را آزاد و باعث خرابی و تلفات هنگفت گردیدند، زیرا

در منازل مسکونی کمین گرفته و از آنجا جنگ را پیش می بردند، مکتب ها را ویران و راه های عبور و مرور را انفجار دادند، مخصوصاً دو نقطه ای که سبب پیوست راه های که به شهر چهاردره و اچین می گردد، و چندین مرتبه بالای هتل پامیر حمله کردند.

قرار آژانس خبر رسانی پژواک، طالب ها داکتران زن و بزرگان قومی را به قتل رساندند، موترهای سره میاشت (صلیب سرخ) را تصرف و در کنار لاری های ملل متحد که نشان یا لوگوی آن مؤسسه را داراستند عکس گرفتند.



در اول اکتوبر ۲۰۱۵ قوای امنیتی افغان با همکاری قوت های مخصوص امریکائی (Special Forces) کنترل شهر را به دست گرفتند، قوای امریکائی به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ چهار مرتبه و به تاریخ اول اکتوبر دو مرتبه باعث بمباران شهر قندوز گردیدند. و به تاریخ سوم اکتوبر ۲۰۱۵ یک ساختمانی که مرکز صحتی و یا شفاخانه که توسط داکتران بدون سرحد (MSF) اداره می گردید، بمباران کردند.

طالب ها عقب نشینی نمودند، و اعلان کردند که شهر را تخلیه می کنند، دلیل آنرا چنین ادعا نمودند:

از یک طرف نمی خواهند سبب از بین بردن مردم ملکی شوند، و دلیل دوم جلوگیری از مصارف مهمات شان می باشد، و می خواهند قوت های خود را در اطراف شهر محکم نمایند.

به تاریخ ۲۵ اکتوبر ۲۰۱۵، "نیکولا هایسوم" (Nicholas Hayson) نماینده سکرتر جنرال ملل متحد در کابل اظهار داشت که جنگ خیلی ها شدید در سرک های شهر قندوز در جریان است.

دفتر حمایت نمایندگی ملل متحد از افغانستان تعداد کشته شدگان و زخمیان را ۸۴۸ نفر ملکی، که از جمله ۲۸۹ کشته و ۵۵۹ زخمی گزارش داد و علاوه نمود که این ارقام در اولین مشاهدات واقعه به دسترس شان قرار گرفته و تعداد

حقیقی بعد از مشاهدات منابع مختلف، و در صورت دسترسی به ساحه که خیلی ها دشوار به نظر می رسد اعلان خواهد گردید.

یک راپور دقیق، یک تعداد زیاد تلفات را راجع می کند به جنگ های زمینی، تنها ۳۹ کشته و ۴۲ زخمی را نسبت می دهند به بمباردمان های هوایی، که در آن ۳۰ کشته و ۴۷ زخمی بمباران سوم اکتوبر علیه شفاخانه داکتران بدون سرحد را دخیل می دانند.

برعلاوه ادعا می شود که خشونت علیه مردم ملکی، مخصوصاً خانم ها و دختران جوان توسط اشخاص مسلح نا معلوم بعمل آمده است، که تا به امروز به این ادعا ها روشنی انداخته نشده است.

از نقطه نظر تدابیر جنگ، اشغال قندوز مربوط به دو عامل دسته بندی می شود:

- از یک طرف موجودیت تضاد ها، مخالفت ها و خصومت ها در بین اراکین صاحب قدرت ولایت رخ داده که این خصومت های داخلی زمینه ساز پیش رفت شورشیان و دهشت افگنان که از چندین ماه در این ولایت فعالیت دارند گردیده و باعث پیش رفت شان شده است.

- از طرف دیگر نفوذ شورشیان در داخل شهر و دانستن هدف ستراتیژیکی آنها، که آیا حمله توسط آنهاست که در داخل شهر نفوذ کرده اند به راه انداخته می شود و یا اینکه از حومه شهر حملات می نمایند.

آیا این عمل دهشت افگنان یا شورشیان طالب، جهت تشدید تفرقه بین اعضای سر قدرت ولایت، و بلند بردن مخالفت ها و دشمنی بین سیاستمداران در کابل است؟

و یا با خلق نمودن یک فضای ترس و وحشت در دراز مدت، تا بتوانند فعالیت های دهشت افگنی و تروریستی خود را گسترش دهند؟

این فرضیه قابل تائید است، زیرا طالب ها در اثنای جنگ و درگیری باعث به قتل رسانیدن مردم ملکی، به جرم اینکه با دولت همکاری می کنند و به قتل رسانیدن قوای پولیس ملی و محلی می شوند.

بر علاوه طالب ها لستی از یک تعداد آژانس ها، نمایندگی های رسانه ها و استیشن های تلویزیون ها و خانم هایی که برای مؤسساتی غیردولتی خارجی و مؤسسات دفاع از حقوق بشر کار می کنند، تهیه و آن ها را تهدید به حملات نمودند.

این حالت وحشت و دهشت انداختن زیادتر دلالت به ستراتیژی دهشت افگنان می کند، به این ترتیب تهداد وحشت و دهشت را گذاشته، حیات مردم ملکی را تهدید و فضای دشمنی و مخالفت را بین سیاستمداران به وجود آورده و زمینه را برای حملات خود فراهم می نمایند. زیرا



تهدید های شان از طرف اهالی ملکی خیلی جدی گرفته شده و سب بیجا شدن آنها می گردد، قرار ارزیابی ملل متحد تعداد بیجاشدگان باشندگان شمال شرق (قندوز) را به ۱۵ هزار تخمین نموده اند.

ارزیابی این ولایت

ولایت قندوز یک ولایت مرطوب و دارای دند های آب و یا آب های استاده در شروع قرن بیستم بوده، از سالهای ۱۹۵۰ به یک بهشت انکشافات اقتصادی تبدیل گردید.

نتیجه بلند رفتن انکشاف قندوز زمینه را برای جنگ های چریکی مساعد ساخته و در سال های ۱۹۸۰ با اشغال گران شوروی این مبارزه مسلحانه بین شبکه های جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار با عساکر روس و همدستان افغان شان در یک منطقه فوق العاده ستراتیژیک، به دلیل راه ارتباطی از طریق ترکستان افغان با جمهوریت های آسیای مرکزی شوروی گردید. در اواخر سال ۲۰۰۱ این منطقه از حضور طالب ها و گروپ وابسته شان پاک گردید.

از سال ۲۰۰۷ به بعد که تطابق می کند به انکشاف گروپ های دهشت افکن مسلح ملا محمد عمر که در شمال و در غرب وطن به صورت تدریجی انکشاف نمودند.

آلمان در کدر قوت های بین المللی حمایت و امنیت (I.S.A.F) به قرار تصویب توافق نامه ملل متحد، جهت برقراری امنیت در ولایت قندوز زیادتیر مواجه به عملیات ضد دهشت افکنان گردید.

دلیل بلند رفتن نا امنی ها مربوط به ضعف و ناتوانی مسؤلین ولایت که توسط دامن زدن اختلافات نژادی و قبیله‌ای به وجود آمده و این اختلافات زمینه ساز توسعه دهشت افکنی گردید.

در ششم اکتوبر ۲۰۱۳ پایگاه نظامی ایساف (I.S.A.F) به قوت های امنیتی افغان انتقال یافت، بدون اینکه به دهشت افکنی و خشونت خانمه داده باشند، برعکس اوضاع امنیتی نه تنها در ولایت قندوز افزایش یافت بلکه در دیگر ولایات شمال و همجوار قندوز و تمام نقاط افغانستان رو به خرابی نهاد.

از طرف دیگر در اخیر سال ۲۰۱۴، تشکیلات یک تشکیل مسلح نو به نام "داعش" دولت اسلامی (OEI) عرض وجود کرد. در جنوری ۲۰۱۵ "داعش" بروز توسعه خلافت خود را به نام قدیم این سرزمین، خراسان (افغانستان امروزی) اعلام کرد.

اولین تهداب و ظهور دولت اسلامی در افغانستان در ولایت هلمند به ابتکار ملا عبدالروف خادم، قومندان طالب ها که از بندی خانه گواتنمو آزاد گردید، و با داشتن تماس با گروپ های شبکه طالب های داخلی در شرق میانه، گذاشته شد. ملا عبدالروف خادم در شروع ماه فبروری ۲۰۱۵ در ولسوالی کجکی ولایت هلمند توسط بمباران کشته شد. بین ماه نوامبر ۲۰۱۴ و اپریل ۲۰۱۵ شبکه گروپ های مسلح منطوقی که با دولت اسلامی رابطه داشتند چندین صف یا جبهه در شمال وطن باز کردند.

ملحق شدن گروپهای مسلح دهشت افکنان محلی با دولت اسلامی به دو بعد که یکی داخلی و دیگر آن خارجیست توجه میگردد. دولت اسلامی از پایگاه های شان در خاک پاکستان داخل خاک افغانستان گردیده و هم چنان از همان جا شروع به عمل جلب و جذب جوانان و به فعالیت تبلیغاتی عسکری، به قرار شهادت و یا اظهارات یک قوماندان طالبان در منطقه غزنی اقدام می نمایند که در آن ولایت شورشیان مسلح چندین ولسوالی را در کنترول خود دارند. به قرار اخبار گاردین، شورشیان خارجی موفق به جذب ده ها جوان که زیاد تر دلیل عمده آن مادی، نظر به عدم اشتغال و بی بضاعتی می باشد و دلیل دیگر موفقیت سریع داعش در سوریه و عراق می باشد.

از نقطه نظر منطق یا دلیل داخلی، انکشاف سریع پیوستن شبکه شورشیان مسلح دلالت به فضای نا معلوم، بی ثباتی و ناپایداری آینده دولت اتحاد ملی می نماید، و در مقابل پیشروی "داعشان" که از نظر مالی غنی، زیربنا لوژیستیکی

خوب، و با وسائل جنگی خیلی زیاد مسلح و پیشرفت خیلی سریع، اهالی محل نخواستند از خود کدام مقاومت نشان بدهند، و این نقطهٔ اخیر دلیل منطقی خارجی انکشاف "داعش" را به ما تشریح می نماید، این واضح است که نشأت گروه داعش از خاک پاکستان، مخصوصاً وزیرستان شمالی و منطقه باجور عرض اندام نمود.

در ماه جون ۲۰۱۴ حملهٔ اردوی پاکستان در وزیرستان شمالی سبب فرار یک تعداد زیاد شورشیان گردید، فلذا شدت جنگ و حملات در شمال افغانستان در بهار ۲۰۱۵ و مخصوصاً بر انگیزتن جنگ و دهشت در منطقهٔ بدخشان توسط شورشیان خارجی بر علیه قوت های امنیتی افغان، رجعت داده می شود به شورشیانی که از منطقهٔ وزیرستان شمالی به اثر حملهٔ اردوی پاکستان در ماه جون ۲۰۱۴ فرار کردند.

روابط بین طالبان محلی و عناصر بیگانه روشن نیست، در عین زمان گاهی رقیب و گاهی همکار یک دیگر اند. معلومات یا اخبار مربوط به ولایت بدخشان به صورت نسبی نشان دهنده تغییر وضعیت از یک ولسوالی به ولسوالی دیگر می باشد، و بستگی به شرایط و اوضاع منطوقی دارد.

ولایت قندوز زمینهٔ بسیار مساعد جهت جای گرفتن شبکه فرا منطوقی، شورشیانی که ارتباط می گیرند به شبکه القاعده از طریق شبکه اسبق حزب اسلامی گلبدین حکمتیار.

به تاریخ ۲۴ اگست قاری غلام حضرت که زیادتر تحت نام ابو خزیفه یک شف منطوقی گروپ مسلح جندالله که در ولسوالی چهار دره توسط بمباران هوایی به قتل رسید، این گروپ ارتباط می گیرد به طالب های پاکستانی، که در ماه نوامبر به "داعش" بعیت کردند. برعکس هیچ کدام از منابع که حوادث قندوز را تحت پوشش خود داشتند از حضور عناصر خارجی و دست داشتن آنها در حوادث قندوز نام نبرده اند.

در نتیجه باید یادآور شد که از نقطهٔ نظر پلان عسکری پیشروی قوت های امنیتی یا اردو مربوط است به جوابی که از طرف کابل داده شده است.

رئیس جمهور اشرف غنی یک هیأت پنج نفری را جهت تعیین یا معلوم کردن مسؤولیت دولت در شکست قندوز ترتیب داد. و همچنین قرار بعضی منابع، در مقابل ۵۰۰ شورشی طالب، ۷۰۰۰ قوت های امنیتی به شکست مواجه، که این خود سؤال برانگیز است.

به قرار گفتهٔ امرالله صالح، قبلاً رئیس امنیت ملی و یکی از دو رئیس هیأت جهت بررسی این قضیه دو عنصر را از جملهٔ عناصر مختلف در نتیجهٔ تحقیقات خود بیان داشت، اولین ارتباط می گیرد به ضعف و ناتوانی استخبارات، در حالیکه ما در شروع این مضمون یا این مبحث دیدیم که مطبوعات از بهار ۲۰۱۵ به تفصیل بیانگر موجودیت شورشیان در این ولایت بود.

وخیم تر از همه به یاد داریم که در یک مصاحبه به لسان انگلیسی با بی. بی. سی. (B.B.C.) به تاریخ ۲ سپتامبر ۲۰۱۴ امرالله صالح از حضور شورشیان در ولایت قندوز حرف زده و آن را یک تهدید و خطر به این ولایت محسوب نمود، اما گفت: «نمی بیند» که "داعش" دارای یک قرارگاه در شمال باشد.

عنصر دومی به قرار اظهارات و راپور این هیأت متذکره، ضعف و نارسائی ادارات و قوای امنیتی، پولیس و اردو در کابل می باشد که نتوانستند به صورت درست در مقابل حمله شورشیان قواه را تنظیم کنند تا بتوانند در مقابل حمله شورشیان مقابله نمایند.

باز هم مصاحبهٔ دوم سپتامبر ۲۰۱۴ امرالله صالح را به یاد می آوریم که به ضعف نهاد های امنیتی و دولت در شرایط خشونت باری که مملکت در آن غرق است تصدیق می کند.

عنصر اولی زیادتز مشکل ساز است چرا که در اثر این حمله، شورشیان در مقابل دولت، نشان دادند که نه تنها می توانند حملات خود را در شهر ها پیش ببرند بلکه توانائی آن را دارند که این نوع حملات را در دیگر مناطق نیز همآهنگ و پی ریزی نمایند.

دو روز بعد از اشغال قندوز، چندین پایگاه اردو در چندین منطقه در ولایت تخار مورد حمله قرار گرفت. به تعقیب آن یک هفته بعد دو مرکز ولسوالی های ولایت بدخشان را به تصرف خود آورده و در حدود یک هزار تن از قوای امنیتی افغان را در ولسوالی بهارک راندند. یک هفته بعد از این به تاریخ ۱۵ اکتوبر کوشش گرفتن شهر میمنه مرکز ولایت فاریاب را کردند.

پایان بخش اول
ادامه دارد

